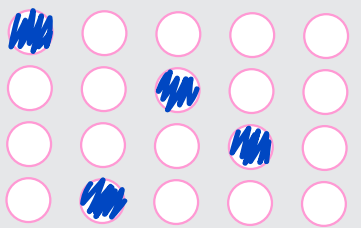


استعدادهای درخشان در کنکور درخشیدند

عقب ماندن مدارس غیرانتفاعی از رتبه‌های برتر



امسال کنکوری‌های سیزده ساله در رشته‌های مختلف در مدارس غیرانتفاعی درخشان قلمه‌ها را فتح کردند. از رتبه برتر رشته تجربی ۹ نفر از ۱۰ نفر برتر رشته انسانی ۶ نفر و از ۱۰ نفر برتر رشته ریاضی ۷ نفر در مدارس سمپاد درس خوانده بودند. در مقابل، مدارس غیرانتفاعی در فرستادن دانش آموزان خود به میان رتبه‌های یک‌رقمی موفقیت خاصی به دست نیاوردند.

شهریه به دلیل برتری نیست

در سال‌های گذشته موضوع مدارس غیرانتفاعی و آموزش‌های فشرده و برنامه‌ریزی‌شده آنها برای آزمون سراسری بارها مطرح شده بود که نتیجه آن ارتباط مستقیم میان پول و کنکور بود. کسب‌وکار پرخرج کنکور از کلاس‌های آموزشی اولیه تا انتخاب رشته نهایی همچنان برقرار و وابسته به رقم‌های بالاست، اما حداقل با بررسی رتبه‌های برتر می‌شود دید که این کار بیشتر از شهریه‌های کلان به استعداد و پشتکار ارتباط دارد.

بعد از انتشار نتایج کنکور، تصویری از سفرهای خارجی یکی از داوطلبان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، اما واکنش‌ها به آن و اینکه یک نمونه را نمی‌توان مبنای قضاوت قرار داد باعث شد که ارزش برتری تلاش فردی برای موفقیت در کنکور همچنان برقرار بماند.

در تمام جغرافیای ایران

رتبه‌های برتر کنکور امسال یک ویژگی دیگر را هم نشان می‌دهند: تهران ۹ نفر؛ مشهد ۲ نفر؛ کرج و

سن از دواج باید کاهش یابد

بر اساس قانون بر نامه ۵ساله هفتم باید میانگین سن از دواج از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۷ به اعداد مشخص و مورد نظری کاهش یابد. هدف نهایی این است که برای بار اول،

مردان تا ۲۷ سال و زنان تا ۲۳ سال ازدواج کنند که این اعداد یک سال از آمار کنونی جامعه کمتر است؛ صرف‌نظر از اینکه تأکید قانونی‌طور می‌تواند روی سن ازدواج تأثیر بگذارد. در یکی از روش‌های محاسبه، سن ازدواج برای همه ایرانی‌ها بین ۱۵ تا ۵۰ سال در نظر گرفته می‌شود. از طرف دیگر آیا آمار از دواج‌ها باید به نسبت کل

جمعیت محاسبه شود یا بخشی از جمعیت را به‌عنوان جمعیت «در معرض ازدواج» در نظر گرفت؟ این اختلافات باعث می‌شود که بتوان از همین حالا نتایج مختلفی برای برنامه کاهش سن ازدواج در نظر گرفت اما آنچه کاملاً به‌دست ضرورت توجه برای افزایش آمار ازدواج و فرزندآوری در شرایط سنی رو به پیری ایران است.

جوان‌های بازنشسته؛ پدیده تازه بازار کار

درباره بازنشستگی‌های زودتر از موعد میانسال‌ها و دردسرهای یک سازمان تحت فشار



جامعه امروز

فاطمه عسگری‌نیا | روزنامه‌نگار | نه ریش و موی سپیدی دارند و نه حتی بعضی از آنها هنوز تن به ازدواج داده‌اند، اما بازنشسته شده‌اند. خانم و آقای هم ندارند. اصلاً این‌ها تصور همه را از بازنشسته‌ها دگرگون کرده‌اند! بازنشسته‌های میانسالی که وقتی خبر بازنشستگی‌شان را به قوم و خویش می‌دهند انگار با همه شوخی می‌کنند! این روزها دوروبر زمان کم از این بازنشسته‌های میانسال نیست؛ کسانی که به قول خودشان زودتر از موعد بازنشسته شده‌اند. گرچه ممکن است این اوضاع بر وفق مراد این افراد باشد، اما خیلی به مذاق سازمان تامین اجتماعی که حالا زیر سایه این بازنشستگی‌های پیش از موعد درگیر چالشی به نام ناترازی‌ها شده است، خوش نمی‌آید؛ سازمانی که ۵۳ درصد از جمعیت کل کشور یعنی بیش از ۴۸ میلیون نفر را تحت پوشش دارد و باید خدمات باکیفیت چه در بخش درمان و بیمه و چه در بخش پرداخت مستمری به بازنشسته‌ها ارائه کند!

در حالی که در گذشته افراد در سنین بالای ۶۰ سال و حتی بیشتر با سرومویی سپید بعد از پرداخت ۳۰ سال حق بیمه و گاهی بیشتر می‌توانستند در زمره بازنشسته‌ها و مستمری‌بگیران قرار بگیرند، حالا بعضی افراد با پرداخت ۲۰ سال حق بیمه و با توسل به پندهای قانونی الحاق شده به قوانین اداره کار می‌توانند از مزایای بازنشستگی بهره‌مند شوند؛ این در حالی است که میانگین سنی این افراد بین ۴۰ تا ۵۰ سال است! موضوعی که نه تنها تعادل میان درآمدها و هزینه‌های سازمان تامین اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و این سازمان را در ارائه خدمات دچار مشکل کرده، بلکه حتی باعث کاهش نرخ مشارکت اجتماعی مردم هم شده است.

کاهش نرخ مشارکت

حتما می‌پرسید چطور بازنشستگی پیش از موعد افراد باعث کاهش نرخ مشارکت مردم در کشور شده؟ به این سؤال علی حدیدی، مشاور عالی مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در گفت‌وگو با همشهری اینگونه پاسخ می‌دهد: «در سال ۱۳۵۸ که قانون تأمین اجتماعی تصویب شد، امید به زندگی حدود ۵۸ سال و سن بازنشستگی ۶۰ سال تعیین شده بود. امروز، امید به زندگی به بیش از ۷۴ سال رسیده، اما برخلاف منطق بیمه‌ای، سن بازنشستگی کاهش یافته است؛ این در حالی است که در کشورهای پیشرفته، افزایش امید به زندگی به معنای افزایش سن بازنشستگی و تلاش مردم برای طی مسیر توسعه آن کشور است؛ اما ما به‌جای اصلاح ساختار، در خلاف جهت تجربه جهانی حرکت کرده‌ایم. از

چی‌بی‌اس‌ها مختل است و این را دیگر همه می‌دانیم. از خانه‌ات در دل تهران روشن می‌کنی که به مقصد مشخصی در شمال تهران بروی، بعد تو را وسط رشته‌کوه‌های زاگرس نشان می‌دهد، مقصد را هم که اصلاً پیدا نمی‌کند.

بازگشت به دوران آدرس‌گرفتن



گزارش

صفحه را از مجید اصغری

هشتگ روز

مردم هوادار مردم

فهمه طباطبایی | روزنامه‌نگار | در ۲ روز گذشته، چند ویدئوی به‌ظاهر ساده اما مایلی مهم در فضای مجازی بازنشر شد که وسط اخبار تلخ گرانی، تورم، عبور طلا از مرز گرمی ۹ میلیون تومان و... کمی دلگرم‌کننده بود؛ اتفاقی که نشان می‌دهد زندگی هنوز زیبایی‌هایی دارد که مردم عادی کوچه و خیابان رقم می‌زنند که باید دید و آن را ترویج داد.

۱ | از روز یکشنبه عصر، فیلمی در شبکه ایکس و اینستاگرام در حال بازنشر است که نشان می‌دهد یک موتورسواری وسط خیابان آزادی، زمین می‌خورد و آسیب می‌برد. جوجه اردک‌های او واژگون می‌شوند و پرندهای کوچک در کمتر از ۱۰ ثانیه عرض خیابان را تصرف می‌کنند. راننده‌های دیگر وقتی این صحنه را می‌بینند، سریع ترمز می‌کنند و چندتایی می‌آیند بیرون و به صاحب جوجه‌ها کمک می‌کنند که آنها را جمع کند. در آن شلوغی و ترافیک میدان آزادی، خبری از بوق‌زدن، اعتراض و فحاشی... نیست. همه با صبر ایستاده‌اند تا اردک‌های کوچک از کف خیابان جمع شوند. این ویدئو با این عنوان که «چقدر مردم مهربانی داریم که به‌موقع رنج‌ها و چالش‌ها پشت هم هستند» در حال بازنشر است.

۲ | شهرپور است و کمتر از ۲۰ روز به آغاز سال تحصیلی مانده، خیلی از والدین در حال خریدن لوازم مدرسه برای بچه‌های خود هستند و در این میان بسیاری از فعالان نیکوکار در حال جمع‌آوری کمک برای خرید لوازم التحریر برای دانش‌آموزان و حتی دانشجویان مناطق محروم هستند تا خدای نکرده کسی از تحصیل جا نماند. جالب اینکه هر کس به اندازه وسیع خود به این پوشش خودجوش و مردمی کمک می‌کند؛ یکی در حد خرید یک دفتر ۴۰۰ تری و دیگری به اندازه لوازم التحریر دانش‌آموزان یک کلاس؛ اتفاقی که در چند سال اخیر، فراگیر تر شده و نشان می‌دهد مردم هنوز هوای هم را دارند و داشته‌های خود را هر چند کوچک با دیگری تقسیم می‌کنند. خاصه برای کودکان که از درس و مدرسه باز نمانند و مثل همه دانش‌آموزان دیگر بتوانند اول مهر ماه سر کلاس درس حاضر شوند.



این مختص به اپلیکیشن‌های خارجی نیست و ایرانی‌ها هم به شکل نادر و موردی کار می‌کنند. کار برای بسیاری به‌خصوص رانندگان سخت‌شده و به همین دلیل این روزها رانندگان خودروهای زیادی را می‌بینیم که بغل خیابان

راه مشرقی‌ها سواست

حکایت جمع‌شدن اعضای گروه مادرانه «مشرقی‌ها» به روزهای شیوع ویروس کرونا برمی‌گردد. سیده‌دخچه احمدی تعریف می‌کند: «در آن سال‌ها من به دعوت دوستی عضو گروهی شدم که مادران عضو آن در دانشگاه‌های سوره و هنر تحصیل می‌کردند. مادران در اشتراک تجربیات خود به این نتیجه رسیدند که باید برای کودکان آبرتمان‌نشین خود شرایطی را به‌وجود آورند تا با طبیعت آشنا شوند و لحناتی را به دور از حصارها و محدودیت‌های آبرتمان‌ها حس کنند، اما وقتی نوبت به اجرای برنامه‌های طبیعت‌گردی رسید، مادران ساکن غرب پایتخت ترجیح می‌دادند نقاط بکر نزدیک به محل زندگی‌شان را برای گشت‌وگذار انتخاب کنند.» مسافت زیاد این مکان‌ها با عنوان سکونت احمدی و دیگر مادران ساکن شرق تهران باعث شده آنها گروه دیگری با عنوان «مشرقی‌ها» تشکیل دهند و برنامه‌های طبیعت‌گردی خود را در بوستان‌ها و فضای سبز این گوشه شهر برگزار کنند. احمدی و بسیاری از مادران عضو گروه مشرقی‌ها در رشته‌های مختلف تحصیلات دانشگاهی دارند، اما بدغدغه‌های مادرانه آنها بر سایر مسئولیت‌ها و مشغله‌هایشان می‌چربد. احمدی در رشته فیزیک تحصیل کرده است.

طبیعت‌گردی مادران و بچه‌ها به رفاقت‌های صمیمانه و خانوادگی بسیاری از اعضای گروه منجر شده است

نجات از آپارتمان

یک روز با مادرانی که کودکانشان را برای بازی به طبیعت می‌برند

خانم احمدی برای آنها بر نامه طبیعت‌گردی تدارک می‌بیند، عناوین بر موطراق «خانم دکتر» و «خانم مهندس» را کنار می‌گذارند تا یک نیمروز فقط و فقط مادر باشند و با کودکان آبرتمان‌نشین خود لحظاتی را در دامن طبیعت بگذرانند. این هفته مادران و کودکان طبیعت‌گرد در گلزار شهدای شهرک شهید محلاتی دور هم جمع شدند.

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار | روز اول که با هم قرار گذاشتند بچه‌ها را با طبیعت آشنا کنند، فقط ۵۰مادر بودند، اما حالا شمار اعضای گروه‌شان به هزار و ۴۰۰مادر رسیده که بسیاری از آنها به نوبت قرارهای طبیعت‌گردی هستند. تعداد زیادی از اعضای گروه تحصیلات دانشگاهی دارند، ولی وقتی

گزارش

وقت گل‌بازی

آبره باریک کنار حوضچه آب چندانی ندارد و حدینه و مهنا و علی باید به نوبت گل‌بازی کنند، اما مهربانی حدینه انتظارشان را کوتاه می‌کند و با همان گلی که او درست کرده، صورت‌های هم‌دیگر را نقاشی می‌کنند. تا پاکیزه به طبیعت‌گردی می‌آمد و همانطور اتوکشیده به خانه برمی‌گشت، ولی حالا تا روی برگ‌های پر از خاک و خل چندبار غلت نزند، نه خودش و نه مادرش رضایت نمی‌دهند که به خانه برگردند! براساس قوانین گروه بازی با تلفن همراه در دل طبیعت ممنوع است، ولی آرامش هم که سن و سالش به سر درآوردن از قانون‌ها و محدودیت‌ها قند نمی‌دهد، از راه نرسیده گوشی تلفن مادر را تحویلش می‌دهد و سراغ برگ‌های خشکی می‌رود که کف بوستان را فرش کرده‌اند. مادر آرامشام حسابداری کارگاه تولیدی عریض و طویلی است و با آنکه قرار بوده امروز تمام و کمال در خدمت آرامشام باشد، انگار مجبور است امور شرکت را هم تلفنی و از راه دور رفع و رجوع کند!

یک وجب سایه و آب روان

قرارشان ساعت ۱۱ است، ولی تا مادرها اوضاع خانه را روبه‌راه کنند و با بار و بندیل و بچه‌بغل خودشان را به محل وعده برسانند، آفتاب ظهر حسایی تیز و داغ شده است. گلزار شهدای شهرک شهید محلاتی را برای طبیعت‌گردی انتخاب کرده‌اند که آب آشامیدنی و سرویس بهداشتی در دسترس است و بچه‌ها بتوانند در آب روان آبره‌های کنار حوضچه یک دل سیر آب‌بازی کنند. دارودرخت پربرگ‌وار کنار حوضچه دست به هم داده‌اند و روی تپه‌های سینه‌کش دیوار گلزار تا زمین‌های خاکی اطراف حوضچه سایه انداخته‌اند. همه برای ناهار غذای ساده و مختصری درست کرده‌اند تا با یکدیگر هم‌سفره شوند، ولی بچه‌ها تاب انتظار کشیدن ندارند و پیش از آنکه سفره پهن شود، هر کدام با لقمه‌های کوکو سیب‌زمینی و تخم‌مرغ آب‌پز پی بازی می‌روند.